

سه شنبه ۱۴ فروری ۲۰۱۷

ناتور رحمانی

درد را باید گفت

درد را باید گفت تا که درمان گردد

درد ناگفته به جان می ماند

و مصیبت می آرد

درد انواع فراوان دارد

درد جسم است و درد جان

درد روح است و روان

درد کاشانه و سقف و دیوار

بدترین درد همانا دردیست

که به جان و تن مردم افتد

مردمان گردد بیمار

درد خودخواهی و پیمان شکنی

درد بی عاطفگی ، بی مهری ، کبر و غرور

درد افتادن در دام خبیثان شرور

درد نامردی و نامردمی و ریب و ریا

درد دوری از خدا

دیرگهیست که این درد

به جان (من) و (ما) افتاده

همه از هم دوریم

به فکر خویشیم و در اندیشه خویش

غصه دوست دگر در دل نیست

دم غنیمت شمیریم

لیک دزدان ، همه آسوده خیال

فارغ از دغدغه و قال و مقال

شیره ای جان همه می دوشند

و به جان و تن بی حاصل خود می ریزند

من و تو غافل از آنیم !! چرا ؟

چون نگوییم به هم درد کجاست ؟

تا نگوییم کی درمان شود

درد اینجاست .

(؟)

